



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)

آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷ | @ Tirang.Studio | 📧 tirang.advertising@gmail.com

افزایش ۲۷ درصدی
تردها



۲

سه پاس حسین ضمیری
از شب یلدا



۳

سفرهای دریایی
در گلستان افزایش یافت



۲

گلشمن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و چهارم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

یادداشت اول

یلدا

میلاذ سپیده



■ با مسولیت سردبیر

ایرانیان از دیر زمان همواره فلسفه خاص خود را برای نامگذاری ها و جشن ها داشته اند. جشن های ماهانه ای که هرگاه روزماه با نام روز برابر می شد، از آن بهانه ای برای شادی می ساختند و می کوشیدند نگاهی با طراوت به زندگی داشته باشند و شبی که با شب های دیگر برای ایرانیان تفاوت داشت. اما در میان این شبان و روزان تنها یک شب، شب پیروزی روشنائی بر تاریکی بود و آن یلدا بود. به این خاطر اگر بخواهیم یک شب را شب ایرانی بدانیم، بدون شک یلدا آن شب مقدس است. یلدا شب ولادت، زایش، زندگی و روشنائی است و برای ایرانیان نماد شکستن شب و پایان سیطره اهریمن تاریکی بر خورشید جهان افروز است. ایرانیان پایان تاریکی را جشن می گرفتند و آغاز روشنائی را به شب زنده داری و روشن کردن آتش می گذرانند و به این گونه ارادت خود را به سپیده زندگی اعلام می کردند. درس یلدا برای ایرانیان، تاریخ آن بوده است که شب با همه هیمنه و اقتدارش به پایان خواهد رسید و آنچه می ماند راستی و روشنائی است. این روزها ایران عزیزمان، حس و حال نشاط و شادی را ندارد و مردم ما گرفتار مشکلات فراوان اقتصادی و سیاسی و اجتماعی. چهره کریمه فقر هر روز بیشتر خود را نشان می دهد و با وجود مشکلات بنیادین در ساختار مدیریتی، شهروندان چندان امیدی نیز به پایان گرفتاری های خود ندارند اما با همه این تلخی ها یلدا ایرانی آمده است تا در ما امید به زندگی را زنده نگه دارد و یادآوری کند که باید امیدوار باشیم و برای اعتلای ایران بکوشیم. یلدا به ما یادآوری می کند که باید دستگیر هموطنان خود باشیم، اگر جشنی هست با یکدیگر قسمت کنیم و اگر سفره ای هست آن را با دیگران شریک شویم. یلدا شب میلاذ مهربانیهای ما ایرانیان است، آن را قدر بدانیم و پاس داریم.



یلدا مشهورترین
آیین باستانی ایرانیان
«۱»



جدول نهایی آببندانهای
غیرمجاز تهیه شد
«۷»



ادبیات کودک و نوجوان
«۵۴»

سهام شرکت های دانش بنیان

در اقتصاد گلستان



دکتر مهران قجری - سال ۱۴۰۱ با عنوان تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین نامیده شد. امروز که ۹ ماه از سال را سپری کرده ایم به نظر می رسد تنها دستاوردی که داشته ایم زایش زایدالوصف شرکتهای موسساتی است که نام دانش بنیان را یدک می کشند با وجود ظرفیتهای پتانسیل های گلستان در این زمینه اما سهم شرکت های دانش بنیان در اقتصاد استان چقدر است؟ اصلا در تمام این سالها چرا نامگذاری های سال در حد شعار باقی ماندند و به معنای واقعی کلمه روی این عناوین، سیاستگذاری نشده است. بسیاری از مردم درباره آنچه دانش بنیان خوانده می شود بی اطلاع هستند و نامگذاری امسال نیز به دلیل عدم اطلاع رسانی درست، نتوانست به تبیین آن کمک کند اما باید گفت، توجه به اقتصاد دانش بنیان در کشورهای

توسعه یافته نقش مهمی در رشد اقتصاد و ایجاد اشتغال و پیشرفت و توسعه کشورها ایفا کرده است. طبق آمار و ارقام، حدود ۸۰ شرکت دانش بنیان فعال در استان گلستان وجود دارد اما سهم این شرکتها در اقتصاد استان کجاست؟ با وجود ظرفیت های خوبی که گلستان

در حوزه های مختلف به ویژه قابلیت هایی که در بخش کشاورزی دارد و از سوی دیگر برخورداری از توانمندی های علمی، شرایط مناسبی برای فعالیت های شرکت های دانش بنیان داریم اما عدم شناخت و آگاهی در مورد شرکت های دانش بنیان موجب شد

و قبل از ورود به خلیج گرگان و کشتار حیات وحش دستگیر شدند. وی ادامه داد: چهار متهم دستگیر شده با تشکیل پرونده به محاکم قضایی معرفی شدند. کریمی گفت: پلیس در حفظ و صیانت از انفال، منابع طبیعی و حیات وحش هیچ اغماضی نداشته و به طور قاطع با متخلفان برخورد می کند.

نوار ساحلی در محل شنا به یک خودرو مشکوک و پس از توقف و بازرسی از خودرو چهار نفر دستگیر و سه قبضه سلاح شکاری کشف شد. فرمانده انتظامی بندرترکمن گفت: متخلفان مذکور علاوه بر سلاح شکاری و ۲۸ قطعه فشنگ، مقادیری ابزار ویژه شکار به همراه داشتند که با هوشیاری پلیس

فرمانده انتظامی شهرستان ترکمن گفت: چهار شکارچی غیرمجاز قبل از ورود به زیستگاه ارزشمند خلیج گرگان و کشتار حیات وحش توسط پلیس بندرترکمن دستگیر شدند. به گزارش روابط عمومی، سرهنگ محمدعلی کریمی اظهار کرد: ماموران انتظامی شهرستان بندرترکمن در گشت و کنترل

۴ شکارچی غیرمجاز در خلیج گرگان دستگیر شدند

افزایش ۲۷ درصدی تردها



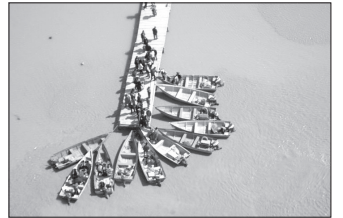
ریلی هم بهره گیری شود. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان گفت: پنج هزار و ۲۵۰ کیلومتر راه در گلستان وجود دارد که بزرگراه، راه اصلی و فرعی و راه روستایی است. وی گفت: ۹۸.۷ درصد جمعیت روستایی گلستان حداقل از یک راه آسفالت برخوردار بوده و البته ممکن است در بخشی از مسیر به بهسازی نیاز داشته باشد.

نیست و باید در این زمینه اقداماتی انجام شود. وی بیان کرد: از جاده نوکنده تا آزادشهر، محور بزرگراهی بوده که در برخی مواقع به دلیل ترافیک بالا راه اصلی محسوب می‌شود و پاسخگوی تردها نیست. مصدقی عنوان کرد: در برنامه هفتم توسعه یکی از راهبردهای استان مبحث افزایش ظرفیت راه‌های موجود بوده و باید به این مسیر آزادراه اضافه شده و از ظرفیت‌های

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان گفت: ۵۲ دستگاه سامانه تردد شمار هوشمند در گلستان در هشت ماهه نخست امسال ۱۱۶ میلیون تردد را در جاده‌های مواصلاتی گلستان ثبت کردند که نسبت به سال قبل ۲۷ درصد رشد داشته است. به گزارش مهر، عادل مصدقی اظهار کرد: با توجه به افزایش تردها در جاده‌های گلستان، زیرساخت‌های فعلی جوابگو



سفرهای دریایی در گلستان افزایش یافت



مدیر بندر و دریانوردی گلستان گفت: سفرهای دریایی از اسکله‌های بندر ترکمن و بندرگز در هشت ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶۲ درصد افزایش داشته است. به گزارش مهر، نورالله عباسی اظهار کرد: از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا پایان آبان ماه امسال، ۱۲۵ هزار و ۳۲۵ نفر در قالب مسافر دریایی، از قایق‌های اسکله‌های بندر ترکمن و بندرگز استفاده کردند که این آمار در مدت مشابه سال قبل ۷۸ هزار و ۸۴۲ نفر بوده که بیانگر رشد ۶۲ درصدی آمار مسافران است. مدیر بندر و دریانوردی گلستان گفت: ترمیم و بازسازی بندر ترکمن و گز به عنوان یکی از رویکردهای مجموعه مدیریتی استان در دستور کار قرار دارد و برنامه‌های متعددی در این خصوص طراحی شده است. وی بیان کرد: ابتدای امسال عمق پایه اسکله بندر ترکمن بسیار کم بود که با لایروبی انجام شده، امکان پهلوگیری قایق تفریحی تا عمق دو متر فراهم شده است. عباسی افزود: برای تسهیل در تردد شناورها در اسکله بندرگز هم سازمان بندر و دریانوردی حدود ۱۰ میلیارد ریال تخصیص داده که در حال ترک تشریفات مناقصه آن هستیم. مدیر بندر و دریانوردی گلستان گفت: برای تأمین و دسترسی به عمق کافی در این منطقه، باید سازه اسکله را حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر در عمق خلیج ادامه دهیم تا بتوانیم به آب مناسب دسترسی پیدا کنیم.



مقالات کیفی دانشگاه علوم پزشکی افزایش یافت

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: بر اساس اعلام وزارت بهداشت، تعداد مقالات کیفی دانشگاه علوم پزشکی گلستان نسبت به سال گذشته ۷۰ درصد رشد داشته است. به گزارش مهر، سعید گل فیروزی اظهار کرد: تحقیقاتی که در حوزه سلامت در دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام می‌گیرد بر اساس نیازهای استان همانند بیماری‌های غیر واگیر، دیابت، فشار خون، بیماری‌های قلبی عروقی، سکته‌های قلبی و مباحث چاقی است. رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان افزود: سرطان گوارش در استان ما و بخصوص در شرق استان بیشتر است و اکثر تحقیقات و مطالعات انجام شده در دانشگاه علوم پزشکی بر اساس همین نیازها شکل گرفته و در حال انجام است. گل فیروزی تصریح کرد: مقالات ISI پذیرفته شده پژوهشگران و محققان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال جاری افزایش ۱۵ درصدی داشته و در مقالات بین المللی هم افزایش ۱۳ درصدی را شاهد هستیم. وی گفت: تأسیس پژوهشکده در استان از مهم‌ترین برنامه‌های دانشگاه علوم پزشکی گلستان است.

کاهش ۱۰ درصدی تصادفات ناوگان باری

رئیس پلیس راه گلستان از کاهش ۱۰ درصدی تصادفات ناوگان باری در استان طی سه ماهه اخیر خبر داد. به گزارش مهر، سرهنگ محمود شهرکی اظهار کرد: در سه ماه اخیر تصادفات در استان روند کاهشی داشته و در ناوگان مسافری ما تصادفی اتفاق نیفتاده است. رئیس پلیس راه گلستان گفت: تصادفات ناوگان باری هم روند کاهشی داشته و طی این مدت شاهد کاهش ۱۰ درصدی تصادفات حمل و نقل باری هستیم. وی عنوان کرد: عمده

سبک و ۵۰۰ هزار دام عشایری که از استان خراسان شمالی و رضوی به استان آمده و همچنین دام‌های سنگین روستایی و عشایری در برابر این بیماری واکنش خواهند داد. وی عنوان کرد: مرحله اول این طرح در اوایل تابستان در استان اجرا شد و مرحله دوم هم اکنون در حال اجرا است و تا ۴۰ روز دیگر ادامه دارد. کاووسی گفت: واکنش‌های ناوگان تب برفکی دو ماه در سال اجرا شده و گروه‌های جهادی و نیروهای دامپزشکی در این مسیر به ما کمک می‌کنند. مدیرکل دامپزشکی گلستان توضیح داد: تب برفکی بیماری واگیر و ویروسی خطرناک است که در صورت شیوع، تلفات و خسارات سنگینی وارد می‌کند.

۲ میلیون دام علیه تب برفکی واکنش می‌شوند

مدیرکل دامپزشکی گلستان گفت: مرحله دوم طرح واکنش‌های ناوگان تب برفکی در گلستان علیه تب برفکی رایگان در حال اجرا است. به گزارش مهر، علی کاووسی اظهار کرد: این طرح در کل استان به صورت رایگان اجرا شده و یک میلیون و ۴۰۰ هزار دام

تصادفات نشأت گرفته از خستگی و خواب‌آلودگی راننده بوده که به دلیل مسافت بالای طی شده از استان‌های مجاور این مسئله رخ می‌دهد. شهرکی بیان کرد: در ساعت اولیه (ساعت پنج صبح) به دلیل خستگی و خواب‌آلودگی شاهد واژگونی خودرو یا خروج از جاده بودیم اما تصادفات منجر به فوت ثبت نشده است. رئیس پلیس راه گلستان در خصوص معاینه فنی هم گفت: هیچ کامیونی بدون داشتن معاینه فنی حق حمل کالا را نداشته است و تمام کامیون‌داران این مسئله را رعایت می‌کنند. وی در مورد تصادفات برون شهری در سه ماه اخیر هم افزود: شاهد روند کاهش تصادفات برون شهری در استان هستیم.

آگهی مناقصه عمومی

حمل و نقل و باربری فروشگاه‌های اتکا

فروشگاه‌های اتکا استان گلستان در نظر دارد حمل و نقل و باربری را، به ۲ نفر راننده به همراه خودرو نسان از طریق برگزاری مناقصه عمومی که واجد شرایط مدنظر میباشند واگذار نماید.

به همین منظور متقاضیان میتوانند جهت شرکت در این مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری به آدرس گرگان ابتدای خیابان شهید بهشتی جنب اداره برق، واحد بازرگانی مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت نمایند. اتکا در رد و یا قبول پیشنهادات مختار بوده و هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۳۲۸۹۸۱

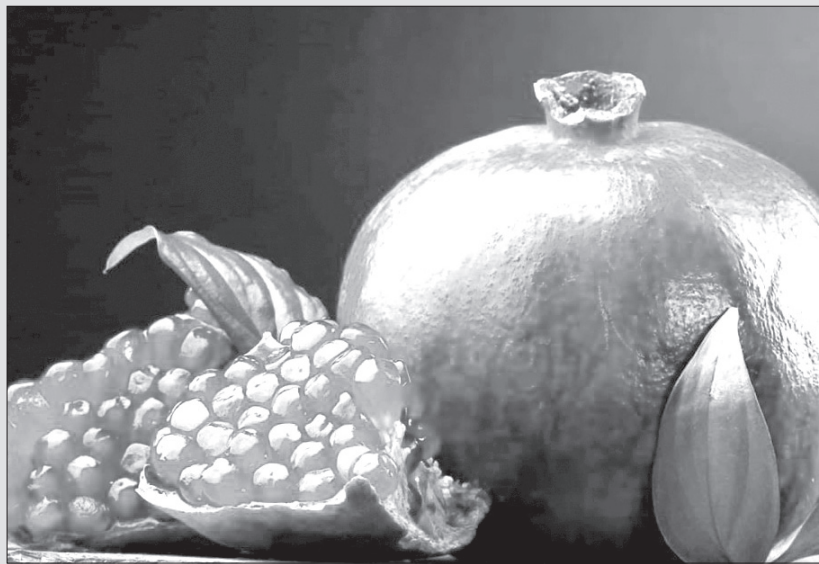


فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا
ETKA CHAIN STORES



فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا
ETKA CHAIN STORES

سه پاس حسین ضمیری از شب یلدا



پاس یکم

و اما شب چله*

یلدا در لغت از زبان سریانی زبان رایج مسیحیت-آمده و به معنای میلاد و تولد است. تولد خدای دوستی و وفاداری. دی، در تقویم شمسی به نام دادار، یعنی آفریننده ی جهان



را پشت سر بگذارند.

در فرهنگ پیشینیان، کلمه‌ای داریم به نام «میزد»- میزبان را از این کلمه به وام گرفته اند. میزد، به هر گونه ولیمه و نذری غیر آشامیدنی اطلاق می شد - مانند گوشت، نان، حلوا و شیرینی و به خشکبار نیز «لورک» می گفتند. ایرانیان، معتقد بودند که خواص و فواید خوراکی های شب یلدا، تا سال بعد در بدنشان می ماند. به احترام موی سپید زمستان، مو سپیدهای فامیل، یعنی پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها، زیر کرسی می نشستند و برای بقیه ی فرزندان و نوه ها، داستان و حکایات آموزنده می گفتند. داستانهایی پر از دیو و پهلوان و ... که بتواند جاذبه و کششی برای شنیدن و همراهی داشته و درسی هر چند کوتاه برای آنها باشد. به این روایت از حکایت نقل اندازی می گفتند. بعد از پذیرایی و چاق کردن ذغال چاله کرسی و قلیان، نوبت به تغال به دیوان حضرت حافظ می رسید و هر فردی، پس از نیت کردن، از کسی که تغال میزد، تقاضا میکرد که فالی برایش بکشاید و تفسیرش را بازگو کند. ای حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، ما طالب یک فالیم، بر ما بنما رازی.

پس آذین سفره های شب چله شد شب چره - لورک و میزد - انواع شربت ها و افشده ها، دیوان حافظ، میوه هایی چون هندوانه، خرمالو، گلابی، پرتقال، سیب و انگور، بخوردان هایی برای دود کردن سوسن و گللهای نرگسی برای بوییدن.

سفره در واقع یادآور برکت فصول بهار و تابستان است. پر از برکت و خوشی و سلامتی. در این شب، تازه داماد برای عروس جوان، خوانچه ای را - از آنچه در سفره ی شب چله میگذراند - به همراه تکه پارچه ای سالم و بریده نشده می فرستد و عروس هم پس از چشم انتظاری و رسیدن این تحفه، تا صبح با دوستان خود به صرف خوراکی ها پرداخته و شب میگذرانند. ایرانیان معتقد بودند که در این شب، قارون ثروتمند، در غالب یک هیزم شکن پیر، به در منزل می آید و تکه هیزمی را می دهد و چون سپیده دم نخستین روز دیماه دیده شد، آن تکه هیزم، تبدیل به یک خشت طلا می شود. - که آن هم نمادی از تالاولی خورشید است و فرونی نعمت. - آیا شبیه بابائول نیست؟

و اما در شب چله ی گرگانی ها، چه می گذرد؟

در کنار همه ی آنچه که گفته شد، چه می خوریم و چه کار می کنیم؟

پاس دوم

مارمرد

مخلوطی از برنج و گردو و شکر نیمکوب و کنجد سرخ کرده که شبیه به آرد نخودچی، مصرف می شود.

پشت زیگ

مخلوطی از شکر قوام آورده شده، کنجد تف داده و گردوی خیلی ریز برخی معتقدند که پشت زیگ را چون بر پشت دیگ می پختند، ابتدا پشت دیگ و بعد بنا به سایش کلمه، پشت زیگ گفته اند.

کوکو بیرینجی

ابتدا با برنج، کته می پختند. سپس اندکی شکر و آرد به آن اضافه کرده و در قالب کلوچه هایی متوسط، در روغن آنها را سرخ می کردند. در انتها نیز با پودر خاک قند، اندکی شیرینی به آن اضافه می شد.

لفشله

شربتی از آب نارنج و شکر و آب و شربت های خنک دیگر به همراه دم نوش های گرم گیاهی کدو حلوا پیخته یا آب پز و گز - هویج زرد - به خاطر رنگ و خاصیت

در ابتدای پائیز در گرگان آئینی به نام «ذغال شوران» انجام می شد.

پس از آنکه ذغال ها را از هیزم، استخراج می کردند، آنرا الک میکردند. خاکه ی نرم ذغال را، قالب میزدند برای روی قلیان و ذغالهای درشت را در بالای سفال پشت بام یا تراس خانه پهن کرده و با آب می شستند. سپس می گذاشتند تا یکی دو هفته ای، آفتاب بخورد. این شستن و آفتاب دادن، باعث می شد که گاز ذغال از بین برود و هیچ کسی در زیر لحاف کرسی به علت گازگرفتی در زمستان فوت نکند. در این شب، بچه ها و بزرگترها با بازی هایی چون «آنکل توتو بکل» و «یاهم خوانی» شعر آقای صبا* آهای بله نمره ی ما نمره ی چند؟ شب را صبح می کردند. شب چله ی تان به بلندی آرزوهای نیک تان باد امید آنکه:

تنت به ناز طیبیان نیاز مند مباد

وجود نازکت آزرده ی گزند مباد

آمین

پاس سوم

بش شو چله ی گرگانی

باز شوی چله شده گرگان ما سَر نو

کتلیا زیر کرسی و آرو یا که نخو

پش سر، زلمب و زیمبوی درختا ر یوین

از تو کودار نگاهت زرد و سرخار بچین

دگه قیخرق ندره، شفت این در ر بون

پشت پای فصل پائیزه بوگو او بریزن

ارسی عوجیکاته و اکتی، تنامه کار

قرقشو کردن بنگار بیریزش تو روبار

قن قَر کرده ی پائیزه ر از بر مخوانی؟

بجوری باد و بزَن داره زمستان، مدانی؟

فصل گمبیلی بر فیه، فصل گرد سَر و رو

فصل لیر شدن چشمه ی بالا سَر جو

عوجیک اشغنه زن آگه گتومقو بگیره

گینگنار و زربده و حسته آفتو بگیره

جنس الخلوک این کتل آگه بر فیه بشه

آروایرأ سَر شاخ مل آگه بر فیه بشه

آسمان تسکه مشه خیلی مکم حرف مزینه

هی قَرم قَروم کتان به قایده برف مزینه

....

ننه سرما توی سارق دلش آلو داره

سرخه چینه داره، تندور دذو بئو داره

بابو جان که سنجوق آتلاشه وا کتِه

نن کلان سابی گنه ماش پتیکاشه چا کتِه

از نماشان بیشین تاسینه سو گل بکنه

بالا تن پُر که ی سَمور، دل قُل قُل بکنه

آناهه تا تنگ صب شو چره ر مُلمبان

اکتل توتو بکل ر یک روئدم مخوان

نیم لاه ماتی تی چشمار سینجاق مکنن

ذغال قفش مدن قلیانار چاق مکنن

هر چی ترسندو که ر با تتقانو تو مدن

واسه گرمکه ذغاله تو چلک الو مدن

بادو تا کوکو بیرینجی بچه رخشن مکنن

بارای چشم نظر، شمار روشن مکنن

ته مدن پشت زیکا ر بادو سه تا افشله

یکئ نور مخوانه: آقای صبا، آهای بله

ناردانای زیر پلوار آگه آلمبو بشن

بلغا از خنده مٹ قرمز لبو مشن

گزر دم مکنن با کدو حلوا بی مدن

پشند هم دگه تا دم صب چایی مدن

پنگول یک نفره تو آتسو خب فرو مِه

تو بوگو شو چره پائین جطو از گلو مِه؟

آگه که سرخ ججق باشه خبه هندوانه

یکئ ته نداده مارمرد، تخی مچپانه

سَر کبفن همه از لوار لوبر خاطره

میجری سَر مگو، محال یادشان بره

چشم چشمو مکنن هی قدامان توی میا

چک چک اول خورشید، دکاره بارای ما

پلته ی آفتو ر تو مدن با صد تا بلمکه

بوینن آسَر نو تیر و کمان رستمه

مخوان اول دی گرگانیا به این زبان

پستاپوستا نازن چله مبارک آره جان

کلیدواژه ی گرگانی ویژه شعر شب چله

کتلی = یک پهلوان نخو/نخواب/زلمب و زیمبو = گل منگلی/کودار = چهارچوب در/قیخرق = قشقرق/شفت در = چفته ی در/ارسی = پنجره ی مشبک متحرک/عوجیک = مژه/قرقشو = بزک دوزک کردن/روبار = رودخانه

قق = قوزک پا/قَر کرده = ورم کرده/از بر = از حفظ/بجوری = بدجوری/بادوزن = طوفان/گمبیل = چاق گرد سر و رو = صورت گرد دارد/در این مصع، آدم بر فی تصویر شده/لبر = لبریز/جو = جوی آب/الخلوق = کت کل = سخره ی کوه/آروایر = آرایش و ویرایش/مل = تاک انگور/تسکه = قدکوتاه/مکم = محکم/قرم قَروم = رجز خوانی کردن/قایده = اندازه/ساروق = بقچه/الو = زبانه آتش/سرخه چینه = لب سرخ/تندور = تنور/دود بدو = تکاپو/بابو = پدر بزرگ/سنجوق = مهر و موم شده/اتلا = اتل ها و متل ها/وا = باز/نن کلان = مادر بزرگ/سابی = پذیرایی/ماش پتیکا = نوعی خورشید محلی/نماشان = عصرگاه/سینه سو = سپیده صبح/تن پر که = قسمت بالایی سماور، زیر قوری/اساهه = همین لحظه، در دم/تنگ صب = اول صبح/ملمبان = میخوردند/اتکل توتو به کل = اتل متل توتوله/یک روند = پشت سر هم/نیم لاه = نیمه بسته/ماتی تی = شکوفه ی ماه/سینجاق = سنجاق/کف = فوت کردن (بعد از دعا)/ترسندوک = ترسو/تتقانو = قلقلک/تو = تاب دادن/گرمکه = ذرت پیخته شده/چلک = حلب پیتی/کوکو بیرینجی = نوعی شیرینی که با کته ی برنج، آرد، شکر درست شده و با روغن سرخ میشود، سپس با مریا یا پودر قند خورده میشود./رخشن = سرگرم کردن/شما = شمع ها/ته مدن = فرو میدهند، می بلند/پشت زیگ = نوعی شکلات خانگی ست که با شکر قوام آورده شده داغ، کنجد و گردوی ریز ریز شده، مزوج و پس از سرد شدن و ریز شدن، با چای خورده میشود/افشله = شربت با آب نارنج/آقای صبا = شعر بلندی ست که یک نفر میخواند و بقیه ی حاضرین در فواصلی خاص، پاسخش را میدهند/ناردان = انار دانه/پلوار = چوبهای بالای پشت بام/آلمبو = له کردن و فشار دادن انار/بلغ = گونه/مٹ = مثل، شبیه/گزر = هویج زرد/پشند = یکسره/دم صب = نزدیک صبح/پنگول = انگشتهای پنجه/یک نفره = فالانی/اتشو = نارنگی محلی/چطو = چطور/سرخ ججق = به غایت سرخ/مار مرده = نوعی خوراکی ست که از برنج نیم دانه کوبیده شده، پودر شکر یا خاک قند، کنجد سرخ شده و گردوی کوبیده شده مزوج شده و مانند آرد نخودچی، میل میشود/تخی = لبریز/پر/مچپانه = به زور جا میدهد/سر کیف = بسیار خوشحال/لوار لوبر = خیلی زیاد/میجری = صندوقچه/سر مگو = راز دار/چشم چشمو = چشم انتظار/قدمان = استوار و پایدار/میا = هوای ابری/چک چک اول = اولین بار/دکاره = در حال آمدن است/پلته = قتیله/افتو = آفتاب/بلمکه = شاید/بوینن = ببینند/اسر نو = مجددا/تیر و کمان رستم = رنگین کمان/پستا پوستا = اندوخته پنهان.



■ سارا افغانی

پدر و مادر عزیزم! زندگی من مانند جاده ایست که هرگاه به مانعی برخورد می کنم، کنارم هستید و از من حمایت می کنید. هنگامی که زمین می خورم، کمک می کنید تا دوباره بلند شوم و به مسیر خود ادامه دهم. وقتی در پیچ و خم های این جاده طولانی خسته می شوم، به من روحیه می دهید و اگر احساس ناراحتی کنم، با من همراهی می کنید. خواستم بگویم که این جاده با شما بسیار زیبا می شود. ممنونم که هستید و جاده زندگی ام را زیباتر کردید.



■ پرستو علاءالدین

جاده ای بود، پر پیچ و خم! با ماشین در حال عبور از آن بودیم که ناگهان دلم هوای قدم زدن دونفره کرد. به او گفتم و او هم ماشین را نگه داشت. جاده ی زیبایی بود. او به سمت جلو در حرکت بود و من همین راه را عقب عقب میرفتم. خنده های زد که محوش شدم. پرسید: چرا اینطوری راه میروی؟ همانطور که به چهره ی دلربایش خیره شده بودم، تمام عشقم را در چشمانم ریختم و گفتم: می خواهم در این جاده ی زیبا، از زیبایی چهره تو بی نصیب نمانم. ناگهان ایستاد! فکر کردم از حرفم ناراحت شد. چهره پشیمانی به خود گرفتم و خواستم برای عذرخواهی دهن باز کنم که لبخندی زد و دستم را گرفت. با دست آرداش جایی را نشان داد و گفت: همه درخت ها کنار این جاده تنها هستند، ولی آن دو درخت را ببین، کنار هم هستند. شاخه هایشان را در هم گره کرده اند و اینگونه همیشه مراقب هم هستند و ابراز علاقه می کنند. درست مثل الان من و تو. همیقادر عاشق و معجون!



■ نیلا ایمانی. پایه هشتم

مسیر خوشبختی و موفقیت شاید از دور خیلی ساده و زیبا به نظر بیاید، ولی وقتی وارد مسیر میشوی میفهمی که چه پیچ و خم ها و چه پستی بلندی ها دارد. بعضی وقت ها زیبایی های مسیر به لب های تو خنده هدیه می کنند. بعضی وقت ها تیرگی آسمان و سردی راه بلندی را می لرزاند. بلندی ها، خسته ات می کند و می گویی: اصلا چرا وارد این مسیر شدم؟ مگر من فرد متفاوتی هستم که می خواهم چنین راه طولانی ای را طی کنم؟ پشیمان میشوی از انتخاب خود. گویی یادت رفته است که آخر آن مسیر، خوشی و لذت زندگی به تو هدیه داده می شود. درون چاله می افتی و لباس هایت



■ اسرامخدومی

این ماه، معلم موسیقی ما راهی مکه و مدینه منوره شد. من، محیا، مرضیه خیلی ناراحت بودیم. چون معلم را مدتی نمی دیدیم. یک روز تصمیم گرفتیم به اردو برویم. مامان و مادر جون خیلی به من تاکید کردند مواظب باشیم. جنگل مار، مورچه، مگس و موش دارد مواظب خودت باش، میوه را شستم قبل از غذا دست هایت را بشوی تا میکروب ها از بین بروند. من گفتم: چشم و راهی شدم. ما از ماشین پیاده شدیم و به جنگل رسیدیم. رودخانه ای داشت که باید از روی سنگ ها رد می شدیم. محیا و مرضیه از روی سنگ سُر خوردند. خیلی درد داشت اما من راحت رد شدم. وقتی به خانه آمدم به مادر جون گفتم امروز به خیر گذشت. ماجرا را تعریف کردم. مادر جون گفت: امروز پیر مردی به دم خانه آمد و گفت: گرسنه ام. مادرت یک بشقاب ماهی پلو به او داد و او خورد و کلی ما را دعا کرد.



■ سیده زهرا علوی نژاد

موهای مشکمی ام به هم گره خورده بود. در میان این ماجرا ماست هم روی موهایم ریخت. مروارید هم هی سر من غر میزد. من هم به سمت شونه رفتم ولی تا بخوام گره موهایم رو درست کنم و موهایم مانند اولش بشود ماه پشت پنجره آمد. مریم هم دیگر کفرش از دست من در آمده بود و بر سرم غر میزد. برای اینکه ساکت شود ملاقه را پر ماست کردم و بر روی موهای او ریختم که ماست مانند آبشار از موهای آن سرازیر شد و بر سر ملاقه ریخت. مستانه هم آمد و با خود گل مستانه آورد. گل مستانه را در ظرفی گذاشت و به سمت میوه هایی که بابا ماشالله خریده بود رفت تا میوه ها را بشوید. بابا ماشالله هم که میخواست سر مرا به روی دیوار بکوبد. بابام سمت آکواریوم رفت تا به ماهی هایی که هی تکون میخوردند غذا بدهد. بالاخره در این بین توانستم گره موهای خود را باز کنم و موهایم مانند اول خود بشنوند.



■ مائده احمدی

خواستم از فکر تو دست بردارم. چند قدمی رفتم و دل مست خودم را سپردم به مسیرهای پر پیچ و خم. همه جا حرف از تو و تپله ی چشمان تو بود. موج دریا، قلب ماهی و درخت میوه و ماه و دریا انعکاسی است از چشمانت. ماهی قلب من اما، دل تنگ برای دریای چشمت بود و درختان میوه می گفتند قد و قامت علم کردیم. اما، ای کاش مثل چشمان تو لباس بر تن داشتیم. ماه هم آنطرف ترها حسرت میخورد!

نمونه ای از شعر شاعران ایران با یادی از یلدا



سعدی:

صحبت حکام ظلمت شب یلداست
نور ز خورشید جوی بو که بر آید

سعدی:

باد آسایش گیتی نزنند بر دل ریش
صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود

سعدی:

هنوز با همه دردم امید در مانست
که آخری بود آخر شبان یلدا را

سعدی:

روز رویش چو بر انداخت نقاب شب زلف
گفتی از روز قیامت شب یلدا برخاست

سعدی:

برای ای صبح مشتاقان اگر نزدیک روز آمد
که بگرفت این شب یلدا ملال از ماه و پروینم

فردوسی:

شب اورمزد آمد و ماه دی
ز گفتن بیاسای و بردار می

عطار:

به عزت شب قدر و شب حساب برات
به حرمت شب آبستن و شب یلدا

عطار:

چو درد من سری پیدا ندارد
شب یلدای من فردا ندارد

خاقانی:

هست چون صبح آشکارا کاین صباحی چند را
بیم صبح رستخیز است از شب یلدای من

اوحدی مراغه ای:

شب هجرانت ای دلبر، شب یلداست پنداری
رخت نورو و دیدار تو عید ماست پنداری

صائب تبریزی:

زلف ماتم دیدگان را شانه ای در کار نیست
دست کوتاه دار ای مهر از شب یلدای من





ادبیات کودک و نوجوان

سعدی بخوانیم

یادداشت



■ آزاده حسینی

شب یلدا سال ۱۴۰۱ همزمان با تولد خورشید در فرهنگ ما ایرانی ها، دور هم جمع می شویم. شبی که نور بر تاریکی چیره می شود و میلاد خورشید را جشن می گیریم. در ابتدای فصل بهار و پاییز، طول روز و شب در دو نیم کره زمین تقریباً برابر است؛ اما اولین روز زمستان در نیم کره شمالی زمین، کوتاه ترین روز سال است. زمین در دورترین فاصله نسبت به خورشید قرار می گیرد. آخرین شب پاییز نیز بلندترین شب سال است که ما ایرانی ها به عنوان «شب یلدا» و «شب چله» می شناسیم بعد از آن هر روز کم کم طولانی تر می شود و شب ها کوتاه تر. شب یلدا، زادروز ایزدمهر، شب دور هم نشستن ها و قصه گویی هاست که با کهن ترین اسطوره های فرهنگ ایرانی گره خورده است. اعضای خانواده و خویشاوندان دور هم جمع می شوند و خاطره و ماجراهای خود را تعریف می کنند. از خوردنی های مرسوم شب یلدا هندوانه، آجیل و انار است. هندوانه که میوه محبوب تابستانی است، خوردن آن در شب یلدا سبب می شود که در سراسر زمستان بیماری و سرما بر ما غلبه نکند. دانه های یاقوت انار نشانه ثروت و سلامتی، شادی و زایش است. میوه های زمستانی مانند خرما، پرتقال و تنقلات و خوراکی های هر منطقه همراه سفره های یلداست. شاهنامه خوانی و حافظ خوانی هم از کارهای خوب خانواده هاست. گاهی به نام حافظ برای خود فال می گیرند و بیت و غزلی به نیت خوبی ها و سلامتی ها می خوانند. شما هم از ماجراهای شب یلدا بگویید. چطور است در این روز کتابی برای خود بخريد و روی آن تاریخ بنویسید ۱۴۰۱،۱۰،۱

به دوستی پادشاهان اعتماد نتوان کرد و بر آواز خوش کودکان؛ که آن به بی خیالی مبدل شود و این به خوابی متغیر گردد.

معشوق هزار دوست را دل ندهی
ور می دهی آن دل به جدایی بنهی

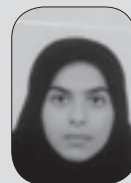
باب هشتم کتاب گلستان سعدی به موضوع «آداب صحبت» پرداخته است. در حکایت شماره نهم سعدی به نامناسب بودن اعتماد به پادشاهان و آواز کودکان اشاره کرده است و به نوعی این دو مورد را در یک تراز قرار می دهد و مقایسه می کند. پادشاهان یک سر و هزار سودا دارند و دوستی با آن ها موقت و بر مبنای روند حکمرانی و مصلحت هایشان است. آواز خوش کودکان هم لحظه ای هست و لحظه ای دیگر با بهانه ای پی چیز دیگری می روند و با خوابی تغییر می کنند. دوست شدن با فردی که چندین هدف گوناگون دارد، چندان پایدار نیست و اگر هم دل به چنین پیوندی دادیم، پیداست که به زودی دلبستگی ها کمرنگ می شود و دوست مورد نظر پی کاری دیگر و هدنی جدید و یاری تازه می رود.



■ مریم ابراهیمی

آخ که ورق زدن کاغذ های انشایم که همیشه نمره پانزده پایین صفحه، یادگاری از معلم هایم بود، مخم را به جوش می آورد. آخر کی وقت تغییر است. شاید لازم است مانند موی سرم اصلاح شود و نوشته های خرمن چلاغی را به نوشته بوی سبزه ی باغ تبدیل کنم. تیریک. من خود را یافتم، فکری که آن همه بر برگ های کاغذی می ریختم تا انشا شود، حال قرار است دست به تغییری بزنم که پریار تر شود. باری که از میزان بار گردوی باغ پدر بزرگم بیشتر شود. انشاء های من باید خوب شروع شود و سپس به سم و کود نیاز پیدا کند. باید زمان بیشتری برایش بگذارم تا دوره طولانی هم از آن بهره مند شوم. کلمات «دوست دارم» را از انشا پاک میکنم و «علاقه ای در من به وجود آمد» را جایگزین می کنم. سپس حرف از تلاشی میزنم که نمره اش روشن است. مانند خورشید؛ خورشیدی که مادر چرخه ی طبیعت است. آری ابتدا قطره های آب را به هوا معلق می کند و دوباره آنرا برمی گرداند. البته با خاطرات سرد و گرم زمستان و تابستان. دو روز بعد:

دفتر انشاء، صفحه آخر، موضوع: تبخیر، نمره بیست.



■ سحر حسن زاده نوری

نور آفتاب رو به روی پنجره اتاق رومینا بود. رومینا با خوردن نور خورشید به پنجره از خواب بیدار شد. راستش سر در گم بود. نمی دانست برای مهسا که امروز تولدش است چه هدیه ای بخرد. در باغچه راه می رود، سر در گم است. از گل های لاله گذر می کند. دلش می خواهد یک هدیه خوب برای دوستش بگیرد اما چون دستش خالی بود و پول زیادی نداشت خیلی ناراحت بود. اما یکهو یادش افتاد که گل هم خوب است و سریع رفت سراغ قیچی و گل ها را چید و حاضر شد که به تولد مهسا برود.



■ معصومه مازندرانی

دختری به اسم دریا در جزیره ای زیبا با پدر خود ماهیگیری می کرد و در کنار جزیره، خانه کوچکی داشتند. همسایه هایشان گفتند: قرار است در این جزیره سونامی بیاید، باید مهاجرت کنیم. همه محبور شدند از جزیره به نقاط مختلف مهاجرت کنند. دریا به پدر گفت: ما به روستا مهاجرت کنیم و با هدف خوشحالی، سلامتی و شغل کشاورزی در عرصه محصول سویا در روستا مزرعه داری کنیم. به روستا مهاجرت کردند. خانه نقلی کوچک با چوب ساختند و در مزرعه شروع به کاشت سویا کردند. مردمان روستا گاهی پدر را اذیت می کردند؛ چون پدر هیچ چیز از قوانین و شناختی بر مردمان روستا نداشت. پدر یک روز داشت از مزرعه بر می گشت به خانه خیلی ناراحت بود و رسید به خونه. دریا رفت پیش پدر، پدر را با چهره اندوهگین دید. پدر، چرا ناراحت هستی! گفت: دخترم مردم روستا نمی گذارند که من کشت سویا انجام دهم، اذیت می کنند. بهتر است از این روستا برویم. دریا با ناراحتی گفت: پدر من دلم میخواد در عرصه محصولات سویا موفق بشیم. هر چقدر این کار بسیار سخت باشد. دریا گفت: پدرجان بیا با هم برویم به مزرعه! پدر قبول کرد. گفت: باشه دخترم! دریا راهی مزرعه شد. در راه مزرعه گفت: پدر قول هایی که به من دادی را فراموش نکن من همیشه در کنارت هستم. من مانند رفیقت در کنارت هستم هر چقدر کار مزرعه و مردمان تو را اذیت کنند. از آن پس پدر خوشحال شد و دریا و پدر موفق ترین صادر کننده سویا در کشور شدند. پدر و دریا خیلی خوشحال شدند. دریا با خوشحالی تمام به پدر گفت: راهی که قدم برداشتیم سخت بود ولی لذت رسیدن به هدف خیلی زیبا بود.



■ فاطمه اسدپور کیاسری

مادرم با مغز خسته از مدرسه رسید و برای ناهار با سرعت میگ میگ، مرغ رو توی ماهیتابه گذاشت. ماستی رو که از مغازه خرید توی یخچال جاسازی کرد. به سرعت مانتو طرح موش و میمون رو که هنوز مرطوب بودند رو روی بند رخت کنار لباس ملکه ای مشکی خواهرم پهن کرد. همه منتظر جواب قطعی پدرم برای مسافرت مشهد بودیم. مشهد هدیه ای از طرف مدرسه پدرم به ما به عنوان بازنشستگی محسوب میشد. من روی مبل، در اعماق خواب و توی ملافه و متکای خودم ساندویچ پیچ بودم که کتاب منطق خورد تو سرم و با صدای میرزا خان خونه از خواب پریدم که داد میزد مژده مژده مشهد قطعی شده...!



جدول نهایی آب‌بندان‌های غیرمجاز تهیه شد



معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای گلستان گفت: پس از بررسی‌ها، جدول نهایی آب‌بندان‌های غیرمجاز مسیر گرگانود تهیه و مورد تأیید مسئولان گلستان قرار گرفت. به گزارش مهر، جواد تیموری در خصوص جلسه پیگیری تخریب آب‌بندان‌های غیرمجاز در استان اظهار کرد: پس از بررسی‌های انجام شده، جدول نهایی آب‌بندان‌های غیرمجاز مسیر رودخانه گرگانود مورد تأیید مسئولان استان قرار گرفته و برای تخریب آب‌بندان‌های مسیر رودخانه گرگانود، با ۶ شرکت پیمانکاری قرارداد منعقد خواهد شد. معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای گلستان بیان کرد: همچنین مقرر شده فهرستی از آب‌بندان‌های غیرمجاز برحسب فاصله قرارگیری آنها از سد و شمشگیر تهیه و برنامه عملیاتی پیمانکاران براساس آن برنامه ریزی شود. وی اضافه کرد: با توجه به اینکه اداره شیلات گنبدکاووس همکاری لازم را در خصوص صدور اختطاریه صید ماهی و تخلیه آب به منظور تخریب آب‌بندان‌های غیرمجاز مسیر رودخانه گرگانود انجام نداده، مقرر شد مدیریت منابع آب شهرستان گنبد با هماهنگی دادگستری شهرستان، رسماً اختطاریه‌های مذکور را صادر و به مالکان آب‌بندان‌های غیرمجاز اطلاع‌رسانی کند. تیموری گفت: به منظور کمک به آبگیری سد و شمشگیر در خصوص اجرای عملیات ساماندهی و تخریب آب‌بندان‌های غیرمجاز، نسبت به بکارگیری حداقل یک پیمانکار از طرح‌های مرتبط با بهره‌برداری و نگهداری از تاسیسات آبی اقدام خواهد شد.

«»

رشد ۴۰ درصدی واریزی به حساب دهیاری‌ها

مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان گفت: میزان واریز اعتبارات به حساب دهیاری‌های گلستان طی هشت ماهه نخست سال بیش از ۴۰ درصد نسبت به سال ۱۴۰۰ رشد داشته است. به گزارش مهر، سیدکمال محب حسینی اظهار کرد: علاوه بر طرح توسعه و پیشرفت ۱۱۰ روستای استان، موضوع توسعه عمرانی روستاهای استان هم در حال پیگیری است. مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان افزود: براساس آخرین آمار، میزان واریز اعتبارات به حساب دهیاری‌ها طی هشت ماهه نخست امسال بیش از ۴۰ درصد نسبت به کل واریزی سال ۱۴۰۰ رشد داشته است. محب حسینی ادامه داد: براساس برنامه ریزی‌های انجام شده، در هر روستا یک پروژه کوچک مقیاس و یا متوسط تعریف شده و توسط دهیاری در حال اجرا است.

استان گلستان وجود ندارد، خاطر نشان کرد: دامپروری هزاران شغل را در دل خود جای می‌دهد و صنایع تبدیلی، حمل و نقل، فراوری و پرورش آن اشتغالزایی زیادی به همراه دارد لذا می‌تواند برای رفع مشکلات حوزه دام، اقدامات اساسی انجام شود. ایمانی با طرح این پرسش که آیا با وجود تنوع اقلیمی موجود در گلستان، کارشناسی و اساسی در مراتع انجام شده است، تصریح کرد: با وجود آنکه مراتع طبیعی خیلی خوبی در گلستان وجود دارد اما چه اقدامی برای تأمین و کشت علوفه انجام شده و چه راهکاری پیش روی دامداران گلستانی قرار گرفته تا بتوانند بهره‌وری را افزایش دهند و امروز دچار مشکل نشوند؟ وی با بیان اینکه ارائه گزارش در خصوص دامداران نیست، تأکید کرد: اگر دامداری اقتصادی و بانبات و دارای بازار مطلوب محصولات دامی در گلستان شکل بگیرد به طور قطع دامدار می‌تواند بدون نیاز به حمایت‌های دولتی مشکل خود را رفع کند اما در حال حاضر با حذف ارز ترجیحی، قیمت نهاده‌های دامی افزایش قابل توجهی داشته است. دبیرخانه کشاورز گلستان با بیان اینکه متولی حوزه دام جهاد کشاورزی است، تأکید کرد: وزارت جهاد کشاورزی باید در خصوص این حوزه برنامه داشته باشد و برای اشتغال، پایداری تولید و حفظ امنیت غذایی کشور تلاش کند.

زنگ خطر نابودی دامداری در گلستان به صدا در آمد

دبیر خانه کشاورز گلستان با اشاره به چالش‌ها و مشکلات پیشروی دامداران گلستانی، گفت: زنگ خطر نابودی دامداری در استان گلستان به صدا در آمده است. به گزارش ایسنا، علیقلی ایمانی با اشاره به مشکلات عدیده دامداران گلستانی اظهار کرد: گرچه مسائل و مشکلات این حوزه عنوان می‌شود اما از آسیب‌شناسی آن برای پیدا کردن راه حل مناسب غافل می‌شویم. وی با تأکید بر اینکه زنگ خطر نابودی دامداری در استان گلستان به صدا در آمده است، افزود: در سال‌های نه چندان دور دو میلیون و ۵۰۰ هزار رأس دام سبک در استان گلستان وجود داشت که در حال حاضر به یک میلیون و ۷۰۰ هزار رأس آن هم با شرایط خیلی سخت رسیده البته این روند کاهشی در دام سنگین هم دیده می‌شود. دبیر خانه کشاورز گلستان با بیان اینکه برنامه مدون و جامعی برای حفظ و احیای دام در

کیلومتر راه روستایی در استان گلستان خبر داد و یادآور شد: در مجموع پنج هزار و ۲۵۰ کیلومتر راه در استان گلستان وجود دارد. شهرکی با بیان اینکه بیشترین حجم تردد در شرق مرکز استان گلستان انجام می‌شود، ابراز داشت: ۹ پاسگاه پلیس راه در سمت شرق مرکز استان و یک پاسگاه پلیس راه در غرب استان گلستان و در محور بندرگز به نونکده مستقر است و پاسگاه پلیس راه واقع در غرب گلستان پوشش ترافیکی جاده‌های برون شهری شهرهای بندرگز، نونکده، کردکوی، بندرترکمن، گمیشان، سیمین شهر و قسمتی از غرب مرکز استان گلستان را بر عهده دارد. وی اضافه کرد: پلیس راه نونکده با توجه به پوشش ترافیکی وسیعی که دارد شاید نتواند در برخی از نقاط در حد انتظار ما حوادث ترافیکی و جاده‌ای را پوشش دهد، همچنین یک تیم ثابت محور بندرترکمن به گمیشان و بندرترکمن به آق‌قلا و یک نامحسوس نیز محورهای فرعی را پوشش ترافیکی می‌دهد. رئیس پلیس راه گلستان با بیان اینکه محورهای پرتردد در اولویت پلیس راه گلستان قرار دارد، یادآور شد: به نظر می‌رسد در غرب استان گلستان در مسیر محور بندرترکمن باید یک پاسگاه ثابت دیگر احداث شود تا پوشش ترافیکی این نقاط افزایش یابد البته در صورتی که زمین مورد نیاز تأمین شود برای احداث پاسگاه پلیس راه مشکلی نداریم.

دو محور پرتردد صدرنشین تصادفات

رئیس پلیس راه گلستان با اعلام دو محور پرتردد گلستان، گفت: با توجه به تعداد بالای تصادفات در این محورها، رانندگان هنگام رانندگی بیشتر احتیاط کنند. سرهنگ محمود شهرکی اظهار کرد: محور گرگان به علی‌آبادکنول و محور کردکوی به گرگان پرترددترین محور جاده‌ای در استان گلستان است که بیشترین تصادفات نیز در همین دو محور رخ می‌دهد و می‌تواند رانندگان بیشتر رعایت کنند. وی از کاهش آمار جانباختگان تصادفات جاده‌ای در گلستان خبر داد و افزود: خوشبختانه بر اساس آمار پزشکی قانونی، در آبان ماه و آذر ماه سال جاری شاهد کاهش جانباختگان ناشی از سوانح جاده‌ای در استان گلستان هستیم. رئیس پلیس راه گلستان از وجود ۳۰۸ کیلومتر بزرگراه، ۷۵۱ کیلومتر راه اصلی، ۲۵۴ کیلومتر راه فرعی، سه هزار و ۹۳۷

آگهی فراخوان شناسایی

تأمین کنندگان برنج فجر درجه یک

سنت پارز پشرو
صنعت توسعه

سنت پارز پشرو
صنعت توسعه

به اطلاع می‌رساند شرکت پارز پشرو صنعت توسعه در نظر دارد به منظور تأمین برنج مصرفی رستوران‌های خود از نوع فجر درجه یک با مقدار تقریبی ۸۰۰ تن در سال با مشخصات فنی و داده‌های ذیل نسبت به شناسایی تأمین کنندگان اقدام نماید. لذا کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در فراخوان حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۴ تقاضای کتبی خود را به همراه رزومه کاری و با قید نشانی کامل خود به شماره ۰۹۱۳۸۴۵۶۳۰۳ آقای جمال پور یا ایمیل dehyadegari@parzishro.ir ارسال نمایند. *مشخصات و داده‌های خرید برنج مورد استفاده رستوران‌ها:

برنج فجر درجه یک ۱۰ کیلوپی در کیسه های متقال						
آیتم مورد نظر	ترک دانه	دانه گچی (سفیدک)	دانه زردوسریاه	دانه خرده	تیپ گرده (دانه) با رنگهای قرمز)	سایر ارقام
سقف حد مجاز	2درصد	۲درصد	۲درصد	۲درصد	۱درصد	صفر

۴- محل تحویل کالا درب انبارهای شرکت پارز پشرو صنعت توسعه واقع در شهرستان سیرجان و سایت شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (به آدرس کیلومتر ۶۰ جاده سیرجان - شیراز)

۵- به‌دبیری است تحویل مدارک فوق صرفاً به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضی بوده و هیچگونه حقی را برای متقاضیان جهت دعوت به ارائه پیشنهاد مالی ایجاد نخواهد کرد.

متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۳۴۴۱۴۲۴۹۴۳ (خانم بخشی زاده) از ساعت ۷ صبح لغایت ۱۵:۳۰ تماس حاصل نمایند.

مدیریت تأمین و تدارکات شرکت پارز پشرو صنعت توسعه

برنج سالم، تمیز، یکنواخت، فاقد بوی خارجی و فاقد آفت‌زدگی، رطوبت حداکثر ۱۳/۵ درصد و از نظر ظاهری دانه‌های روشن شیشه‌ای دارای نوک شمشیری در دو طرف برنج، دارای تست پخت مناسب (بلند، کشیده و نرم) *شرایط:

- ۱- دارای توان تأمین مناسب با حجم خرید
- ۲- در خصوص نحوه پرداخت، تسویه پس از ارسال هر پارت برنج با تأیید کنترل کیفیت شرکت و بر اساس ارائه فاکتور مهرشده و معتبر با مشخصات کامل فروشنده (از جمله نام و نام خانوادگی، کد ملی، آدرس، کد پستی، ...) انجام میگردد.
- ۳- نحوه همکاری از طریق اخذ استعلام به‌یاد باشد.

یلدا مشهورترین آیین باستانی ایرانیان

البته امروزه گفته می شود هندوانه نفخ آور است اما اگر با ته سفیدش خورده شود نفخش از بین می رود.

تقلات شب یلدا

یکی از میوه های مخصوص این شب، انار بود. در گذشته که یخچال و سردخانه برقی نبود، انار، میوه ای کمیاب محسوب می شد و مردم بیشتر به صورت خشک شده مصرف می کردند. ولی امروزه به خاطر وجود سردخانه های برقی، انار را تازه مصرف می کنند. سیب و مرکبات نیز از میوه های دیگری بود که مردم در این شب استفاده می کردند. البته امروزه دیگر هر نوع میوه ای را می توان سر سفره یلدا مشاهده کرد. این بستگی به توان مالی خانواده ها دارد. اما در گذشته چنین نبود و فقط از چند نوع میوه خاص که مهمتر نشان هندوانه بود استفاده می کردند. در قدیم علاوه بر مصرف هندوانه و انار، مردم در این شب پسته و فندق و گردو هم می خوردند. اما تخمه هندوانه و سمشکه و تخمه زاپنی و بادام درختی و بادام زمینی را با می خریدند و یا خودشان شور می کردند. اگر گردو و خشکبارهای دیگری هم داشتند برای این شب آماده می کردند. نان کلوچه ای و پُشت زیگ، حلوا کُنجدی محلی، بریانی که مخلوطی از برنج، گندم، کنبج و شادانه بود آماده می کردند.

سرگرمی های شب یلدا

شب یلدا در گذشته سرگرمی هایی هم داشت. بازی گل یا پوچ، حافظ خوانی، شاهنامه خوانی و گفتن قصه ها و معماهای محلی از دیگر برنامه های این شب بود. البته امروزه این رسوم مقداری کمرنگ شده و در عصر حاضر مدرن تر شده و مردم برای شب یلدا هر چه دوست دارند و می پسندند از میوه گرفته تا سرگرمی فراهم می کنند. ضمن اینکه هنوز فال حافظ را فراموش نکرده اند و مهمترین آنها در این دوره رفتن به خانه بزرگترهاست که هنوز هم پابرجاست. علاوه بر این، یکی از رسومات و سرگرمی های شب یلدا در سال های اخیر، ارسال پیامک یا گوشی همراه برای یکدیگر است. همچنین در کانال های فضای مجازی و اینترنت به هم تبریک می گویند و احوال هم را می پرسند. حتی در این کانال ها فایل های صوتی و تصویری و پوسترها و طرح های زیبایی نقاشی می کنند و می فرستند. برخی هم از سفره و هندوانه قرمز قاچ شده و تقلات خود عکس های زیبایی می گیرند و از طریق فضای مجازی برای دوستان و بستگان خود می فرستند.

یلدا شب نشاط و همبستگی خانوادگی

شب یلدا نامی بسیار آشنا برای ایرانیان است، مثل عید نوروز، دوست داشتنی است و هزاران سال است که در فرهنگ این دیار ریشه دارد. یلدا را همه دوست دارند چون شیرینی این شب به یادماندنی است چه وقتی که کودکی بیش نبودیم و چه زمان نوجوانی و جوانی و پیری، همه سال ها این مراسم را دوست داشتیم و داریم. یکی از لحظات شیرین وقتی است که فرزندان در شب یلدا به خانه بزرگتر می روند. شب یلدا بسیار پر برکت است. زیرا در این شب نشاط و همبستگی خانوادگی و فامیلی تازه و مستحکم می شود. این شب یکی از با نشاط ترین شب های سال زندگی برای ما ایرانیهاست. در این شب بچه ها در محفل گرم فامیل شادترین افرادی هستند که حضور دارند و مشغول بازی و سرگرمی می شوند. مهمترین کارکرد شب یلدا آشتی دل ها و رفع کدورت ها و همبستگی اجتماعی در بین فامیل است و بدین ترتیب استحکام خانوادگی و روابط فامیلی قوی تر می شود. طولانی تر شدن شب در شب یلدا نسبت به شب های دیگر فصل پاییز بسیار اندک است، تنها چند ثانیه. اما همین چند ثانیه بهانه ایست برای دور هم جمع شدن. در پایان مراسم، خانواده ها برای یکدیگر آرزوی عمر طولانی و پربرکت دارند، مخصوصا برای پدربزرگ ها و مادربزرگ ها.

■ تاریخ نگار گرگانی



هیزم... و مردم از آنها می خریدند که هم برای اجاق غذاپزی و هم برای بخاری منزلشان استفاده می کردند.

چگونگی نگهداری هندوانه در قدیم

در قدیم همه مردم نمی توانستند هندوانه بخورند چون سردخانه ای نبود و هر خانواده ای می بایست برای شب یلدا یک یا چند هندوانه خوب و پوست کلفت را به این دلیل که در تریتر خراب می شود از اواخر فصل تابستان یا اوایل پاییز برای خود نگه می داشت. برای این کار هندوانه را در سردابه می گذاشتند یا آن را با نخ هایی از جنس پنبه یا کتان به سقف انبار خنک منزل آویزان می کردند. برخی هم هندوانه را داخل انبار در لابلای کاه نگه می داشتند تا نپوسد و شب یلدا استفاده کنند. در قدیم یخچال وجود نداشت و مردم در حیاط منزلشان زمین را می کندند و سپس سقفی و در دریاچه ای برایش تعبیه می کردند و این حکم یخچال را داشت. اکثر مواد غذایی و آنچه را که می خواستند برای مدت زیادی نگه دارند در این مکان سرد طبیعی نگهداری می کردند. حتی در تابستان یخ را از کوهستان و غارهایی که در آنها یخ طبیعی تولید می شد می آوردند و در داخل سردابه می گذاشتند و مصرف می کردند.

لحظات انتظار و هیجان

شب یلدا همه منتظر شکستن هندوانه بودند. یک نفر هندوانه را در داخل مجمع قرار داده و همه دور این سینی جمع می شدند تا ببینند که آیا هندوانه قرمز است یا نه؟ برای این کار هم ابتدا از ته هندوانه برش گرد و کوچکی می زدند اگر قرمز بود، مشخص بود رسیده است و همه اظهار خوشحالی می کردند. این لحظه ای هیجان انگیز بود و البته نگران کننده. نگرانی از این بابت که نکنند هندوانه نارس باشد یا داخلش پوسیده و غیر قابل مصرف باشد. پس از اینکه این کار به خیر می گذشت، برای هرکس یک قاچ هندوانه در ظرفی می گذاشتند و با دندان و گاز زدن آن را نوش جان می کردند. در قدیم مثل امروز پیش دستی و کارد و چنگال زیاد نبود که جلوی هر نفر بگذارند به همین جهت بصورت قاچ قاچ می خوردند که لذت خاصی دارد. برای نوزادان هم که نمی توانستند قاچ کرده بخورند پدر، گوشت زیر هندوانه را با کارد یا قاشق می تراشید و به دهان نوزاد می دادند.

بچه ها از چند روز قبل با دیدن هندوانه، منتظر شب یلدا بودند تا با وجود آغاز فصل سرما آن را بخورند. قدیمی ها می گفتند: هندوانه خاصیتش سرد است و با خوردن آن در شب چله که اولین شب زمستان است به سرمای زمستان عادت خواهی کرد. بیاد دارم که در دوران کودکی یک سال در منزلمان شب چله وقتی مرحوم پدرم هندوانه را شکست تخمهای داخلش سبز شده بود. در نتیجه پدرم تخمه هایش را بُرید و دور ریخت و گوشت هندوانه را به ما داد که خوردیم و نگذاشت شب چله ما خراب شود. در آن سالها هندوانه به قدری کمیاب بود که مردم فقط در شب یلدا می توانستند آن را بخورند. در این شب بعضی ها هندوانه را تا ته سفیدش می خوردند.

غلامرضا خارکوهی



مقدمه_ سخن از گذشته ها و آیین نیکی قدیمی ها همیشه جذاب و جالب است. خصوصا اگر این آیین طعم جشن و شادمانی داشته باشد. یکی از این آیین های زیبا و ماندگار که هزاران سال در فرهنگ ما قدمت دارد و بین ایرانی ها نهادینه شده مراسم "شب یلدا" یا به تعبیر دیگر "شب چله" است. البته در فرهنگ ایرانی ها دو تا چله داریم: چله بزرگ که شب اول دی ماه است و در فرهنگ عامه منظور از شب یلدا همین شب است که مراسم می گیرند. چله کوچک شب یازدهم بهمن است که چندان مورد توجه مردم نیست. ولی مرحوم پدرم به هر دو چله اهمیت می داد و همیشه چله بزرگ و کوچک را یادآوری می کرد. بنده از دوران کودکی تا کنون شاهد حسن توجه مردم نسبت به شب یلدا بوده و هستم، بطوری که حتی برخی نام دختران خود را یلدا می گذارند. خوبست رسانه ها مخصوصا صدا و سیما و مراکز دانشگاهی و مدارس و مجامع مردم شناسی به این موضوع در میان اقوام مختلف ایرانی بپردازند و آن را به عنوان یک میراث معنوی در مجامع بین المللی معرفی نموده و به ثبت جهانی برسانند. حتی می توان ملت های دیگر را نیز تشویق به اجرای این آیین انسانی و ایرانی نمود. با توجه به این مهم، ما در این مقاله با نگاهی تاریخی و فولکلوریک به شرح این آیین ایرانی می پردازیم.

شب یلدا و سنت هایش

یلدا یا مراسم شب چله دومین آیین بزرگ باستانی بعد از عید نوروز در میان مردم ایران است. این آیین از نظر مردم شناسی اهمیت بسیار زیادی دارد. در شب یلدا اعضای خانواده سعی می کنند در منزل بزرگتر فامیل که بیشتر پدر بزرگ و یا مادر بزرگ یا پدر و مادر هستند، جمع شوند. البته اگر این بزرگان در قید حیات نباشند گاهی برادر و یا خواهر بزرگتر این مسئولیت را به عهده می گیرد. تا هم شب نشینی و گفتگو داشته باشند و هم به قول گرگانی ها شوچره و خوش و پش فامیلی داشته باشند. در این شب، صاحبخانه سعی می کند از مهمانانش که بیشتر فرزندان و نوه ها هستند بیاد ماندنی پذیرایی بکند.

به همین جهت یلدا شیرین ترین شب سال است. شب مهربانی و شکستن کینه ها و کدورت هاست. شبی که دلها به هم نزدیک می شوند. گرچه یک شب تاریک و طولانی است اما آسمان دل مردم، روشن و خرم است. فردای این شب، زمستان سرد آغاز می شود. اما لذت مراسم این شب تا مدت ها در خاطره ها می ماند و به انسان انرژی مثبت می دهد.

هندوانه گل سرسید میوه های یلدا

در گذشته در این شب سعی می شد شام سبک و کم چرب مصرف شود. زیرا بعد از شام باید از تقلات مخصوص این شب و هندوانه که گل سرسید میوه های این شب است، استفاده شود و این چربی با هندوانه سازگاری ندارد، بنابراین هر خانواده ای به فراخور وضعیت مالیش غذایی تهیه می کرد، مثل قورمه سبزی، قیمه، دمی، چلو گوشت، آلو خورش، و...

در این شب پس از خوردن شام اگر تعداد مهمان ها کم بودند دور کرسی می نشستند و بساط میوه خوران راه می افتاد، اما اگر تعداد زیاد بود روی زمین در کنار بخاری هیزمی جمع می شدند. در گذشته که منازل گازرسانی نبود و نفت در دسترس همه نبود، مردمی که در شهر زندگی می کردند چوب را از افرادی که هیزم می فروختند خریداری می کردند و اگر در روستا بودند از شاخ و برگ درختانی که در کنار مزارع شان کاشته بودند و یا شاخه های درختان باغشان و یا از چوب پنبه های مزرعه استفاده می کردند. در آن دوره هیزم فروشها با اسب، چوب خشک شده از جنگل می آوردند و در کوچه های روستاها فریاد می زدند: "آی هیزم آی